

گفت‌وگو

نگاهی تحلیلی به حضور سربازان ایرانی در جنگ داخلی عمان

ارتش ایران از ظفار چه می‌خواست؟

گروه‌هایی از ارتش ایران در رژیم پهلوی در سه سال پایانی جنگ ظفار در عمان حضور داشتند و برای پایان این شورش داخلی به سلطان قابوس کمک کردند. اما حضور ایرانیان در عمان چه سودی برای ایران داشت؟



حاضر در جنگ ظفار بودند یا جزو نظامیان درجه دار. اغلب بازماندگان جنگ ظفار حاضر به مصاحبه برای مستند من نشدند. احتمالاً حدس می‌زدند که سمت و سوی مصاحبه قراره است به سمت مقایسه بین جمهوری اسلامی و پهلوی سوق پیدا کند. سعی کردم نگاه حاکمیتی به موضوع نداشته باشم و به همین دلیل بیشتر فیلم به مباحث تاریخی و اهمیت رفع خطر در عمان بحث می‌شود. اما پس از آن یک موضوع مهم برای مخاطب پیدا می‌شود و آن ارتباط جنگ عمان با جنگ ویتنام و البته فضای جهان در دوران جنگ سرد است.

زمانی که عمان صحنه درگیری بین استان‌های شمالی و جنوبی شده بود، چند سالی از شروع جنگ در ویتنام می‌گذشت. ارتش ایران، اگرچه محدودتر از جنگ عمان، در ویتنام هم حضور داشت. چند سال قبل از حضور ارتش ایران در عمان، چندین خلبان و سرباز ایرانی به ویتنام اعزام شده بودند و اسناد تاریخی هم گواه این مطلب است. اما نکته اینجاست که آیا حضور ارتش ایران در ویتنام برای رفع خطر بود؟

آشوب در عمان برای ایران دوره پهلوی خطرآفرین بود چون می‌توانست بر تبادلات کالا از تنگه هرمز اثر منفی بگذارد. اما چرا ارتش ایران در ویتنام حضور یافت؟ نگاه حاکمیتی را کنار بگذاریم؛ گزاره‌هایی که درباره حضور ارتش کشورمان در این دو جنگ در تاریخ آمده، ما را به یک تحلیل جدیدی می‌رساند.

کمی درباره ارتباط جنگ ویتنام و جنگ ظفار بیشتر توضیح دهید. لازم است بدانیم که اولاً شباهت‌های این دو جنگ چه بوده و چرا ارتش ایران در ویتنام هم حضور داشته است؟ ابتدا این نکته را اشاره کنم که ایران در ویتنام یک بازیگر کوچک است. شکل‌گیری جنگ در ویتنام تقریباً شبیه اتفاقی است که سال‌های بعد در عمان رخ می‌دهد. ایالت ظفار یکی از استان‌های جنوبی عمان است که گروه‌هایی از مردم این منطقه علیه حکومت مسقط قیام می‌کنند. به نظر من آنان پرچم عدالت را بلند می‌کنند و علیه ظلم و فساد که کشور را گرفته، واکنش نشان می‌دهند. از همین رو، معتقدم که به

و جنگ سرد. اگه با این نگاه جنگ ظفار را تحلیل کنیم، می‌بینیم که معنای این جنگ تغییر می‌کند. واقعه ظفار در ادامه اتفاقات دیگری بویژه جنگ ویتنام رخ داده است. به نظرم اگر چنین تحلیل و نگاهی نداشته باشیم؛ یعنی جنگ جهانی، جنگ سرد و همینطور جنگ ویتنام را در مسیر نگاه خود به این واقعه قرار ندهیم، به تحلیل درستی نخواهیم رسید؛ چون استراتژی کشورهای امریکا و شوروی سابق هم عمان را تحت تأثیر قرار داده و هم در حضور ایران در جنگ ظفار بی‌تأثیر نیست.

جنگ ایران در عمان دقیقاً جنگی است که به صورت نیمه دستوری اتفاق افتاده است. آن زمان انگلستان از عمان خارج شده بود و پادشاهی عمان در حال از بین رفتن بود و برای نجات آن پادشاهی، ایران وارد جنگ می‌شود و پس از چند سال، جنگ را به سود عمان و البته امریکا تغییر می‌دهد.

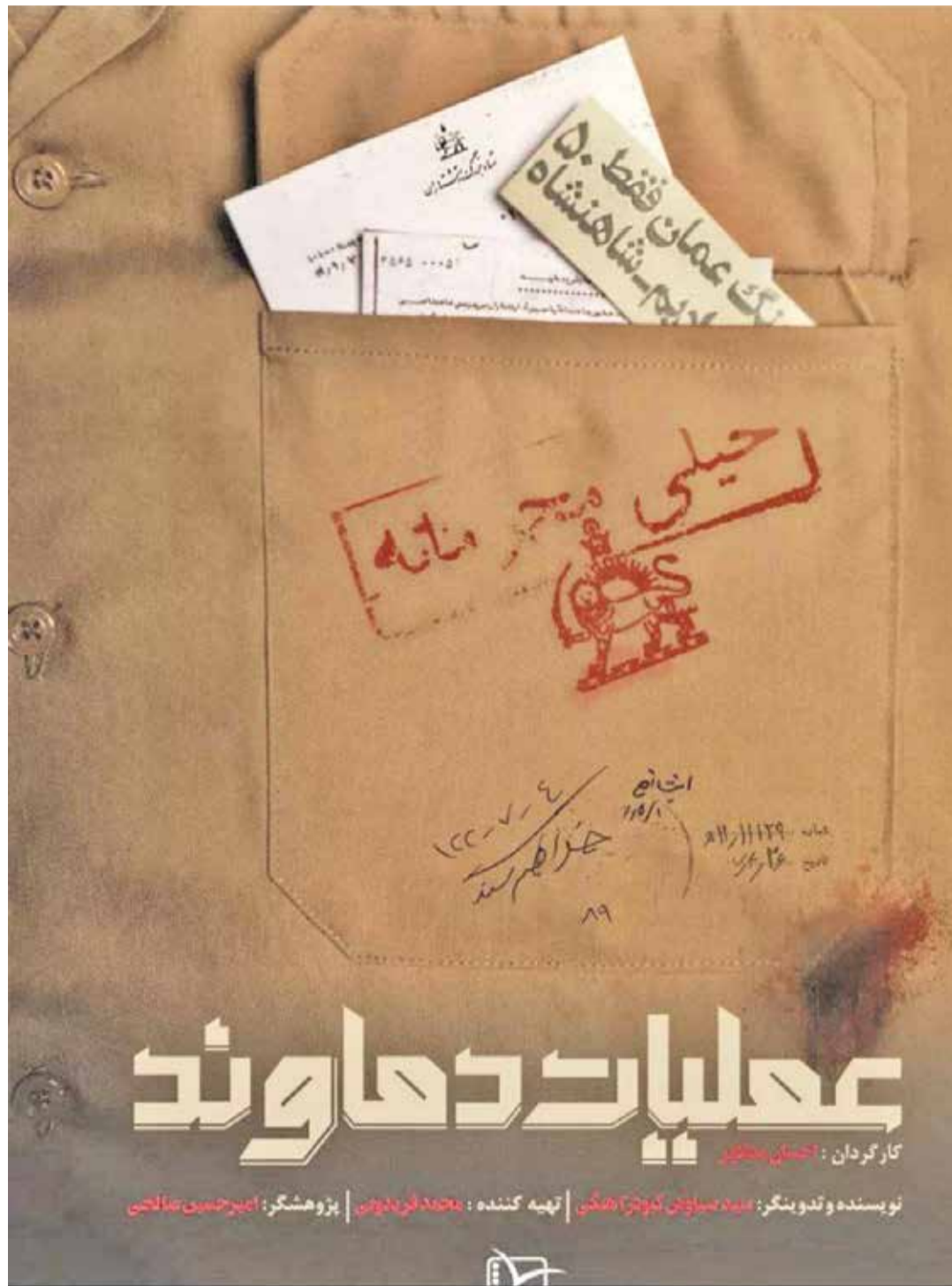
چرا در این همه سال درباره حضور ارتش ایران در نبرد ظفار کمتر سخن گفته شده است؟ آیا تغییر نظام سیاسی ایران در این امر دخیل بوده؟ شما چطور این موضوع را در مستند خود نشان داده‌اید؟

جنگ ظفار برای ما مانند لبه تیغ است؛ یعنی وقتی روی این موضوع بررسی می‌شود، حرف‌هایی به میان می‌آید که ممکن است به ذاته ارتشی‌های بازمانده از دوران پهلوی خوش نیاید. در ارتش پهلوی، حضور ایران در جنگ ظفار به عنوان یک موفقیت قلمداد می‌شد.

البته این نکته را باید مطرح کنیم که مسلماً ذهنیت و رویکرد استراتژیک برخی مشاوران ارتش که در دوران پهلوی به عنوان ارتشی خدمت می‌کردند، تغییر کرده است اما عنوان کردن اینکه ارتش در آن زمان اشتباه کرده و خودشان در این اشتباه دخیل بوده‌اند، یا حضور ارتش به صورت دستوری و از طرف شخص اول مملکت در آن زمان مطرح شده، سخت است.

ناراضی برخی سربازان ارتش از حضور در ظفار

در این مستند با هفت یا هشت نفر از نظامیان آن زمان صحبت کردم که یا سرباز



عملیات دهاوند

کارگردان: احسان مطهر
نویسنده و تدوینگر: سید سروش کویزاشکی | تهیه کننده: محمدفرید پوری | پژوهشگر: امیرحسین عالیچ

سیدپویا هاشمی حفظ‌آباد
دیپلومه گفت‌وگو

اثرگذاری جنگ سرد بر جنگ ظفار

اطلاعات درباره واقعه ظفار، در متون تاریخی زیاد آمده و تحلیل واقعه، امکان پذیر است. اما درباره حضور ارتش ایران در عمان و شرکت در این نبرد، اطلاعات زیادی وجود ندارد و بنا بر این ساخت مستند و ارائه تحلیل و نگاه درباره آن، سخت می‌شود. چرا با وجود چنین چالش‌هایی، به دنبال ساخت این مستند رفتید؟

می‌توانم بگویم که درباره حضور ارتش ایران در عمان و جنگ ظفار تاکنون محتوای رسانه‌ای نداشته‌ایم. بنابراین در ساخت این مستند با حجم بالایی از اطلاعات آرشیوی و اسناد محرمانه و نیمه‌محرمانه روبه‌رو بودم. خلاصه آنچه از این اطلاعات آرشیوی و اسناد به دست آوردم این بوده که واقعه ظفار را باید در بستر دیگر وقایع قرن نوزدهم بررسی کنیم؛ بویژه جنگ جهانی

ارتش ایران در ظفار، تحلیل‌های بسیار کمی صورت گرفت. معمولاً درجه‌داران ارتشی که آن زمان در ظفار حضور یافتند یا خاطرات اعزام ارتش به عمان را به یاد دارند، تمایلی به مصاحبه نشان ندادند و تحلیل‌ها در حد بررسی آمار رسمی باقی مانده است. اما به تازگی یک مستندساز جوان، با ارائه تحلیلی نو، حرف تازه‌ای درباره حضور ارتش ایران در ظفار مطرح کرده است. احسان مشکور، مستندساز جوان در اولین کار حرفه‌ای خود، سراغ این موضوع رفته است. او نگاه جدیدی را در تحلیل واقعه ظفار و حضور ارتش ایران در عمان بیان می‌کند که می‌تواند باب گفت‌وگو و تحلیل بیشتر درباره این واقعه را باز کند. در ادامه، مشروح گفت‌وگوی ما با مشکور را می‌خوانید.

پادشاهی عمان حدود ۶۰ سال قبل دچار بحرانی داخلی شد. ادبیات تاریخی از بانیان این بحران با نام‌های متفاوتی نام می‌برند؛ برخی مورخان این بحران را از جانب گروهی شورشی معرفی می‌کنند و گروهی دیگر آن‌ها را از جمله معترضان به نحوه حکمرانی سلطان قابوس می‌دانند که قصدشان اصلاح امور بود. این بحران کشور عمان را از سال ۱۹۶۲ درگیر جنگ کرد؛ زمانی که جبهه آزادیبخش ظفار توسط گروهی از جوانان استان ظفار تشکیلی چپ‌گرا تشکیل دادند و علیه سلطان عمان به مبارزه مسلحانه روی آوردند. اما این جنگ در تاریخ ایران نیز حضور دارد. محمد رضا پهلوی در آذر سال ۱۳۵۲ و با درخواست سلطان قابوس، ارتش را به عمان اعزام کرد. درباره حضور

چند سال قبل از حضور ارتش ایران در عمان، چندین خلبان و سرباز ایرانی به ویتنام اعزام شده بودند و اسناد تاریخی هم گواه این مطلب است اما نکته اینجاست که آیا حضور ارتش ایران در ویتنام برای رفع خطر بود؟

بسیاری از خانواده‌های جان‌باختگان یا به تعبیری شهدای جنگ ظفار، هنوز هم نمی‌دانند که فرزندشان در کشور دیگری جان خود را از دست داده است